

در مسیر موفقیت، قالب‌های ذهنی‌تان را بشکنید



زهرا چیدری

سردبیر

چاردیواری

پرواز تا سال‌های سال رویای انسان‌ها بود. آنها ساعت‌ها به پرواز پرنندگان در آسمان نگاه می‌کردند و حسرت می‌خوردند که بالی برای پرواز ندارند. انسان‌ها هم دوست داشتند حس دلنشین پرواز را تجربه کنند، مانند پرنندگان خود را در بی‌کران آبی آسمان رها کنند و همچون عقاب بر فراز آسمان اوج بگیرند.

حتما شما هم داستان‌هایی از تلاش انسان‌ها برای پرواز را شنیده‌اید. انسان‌هایی که با روش‌های مختلف برای خود بال می‌ساختند، به ارتفاعات می‌رفتند و می‌کوشیدند تا پرواز کنند! اما تنها محصل این تلاش برای آنها، مرگ و دست و پا شکستگی بود.

این بال‌ها تغییر می‌کرد و بزرگ‌تر می‌شد و هرکسی سعی می‌کرد به نوعی بختش را امتحان کند اما فایده‌ای نداشت. سقوط تنها حاصل پرواز انسان با بال‌های دست‌ساز بود.

همه این شکست‌ها برای این بود که در ذهن انسان‌ها پرواز با بال اتفاق می‌افتاد اما نکته‌اش اینجاست که انسان پرنده نیست که پروازش با بال باشد. انسان موجودی است که به جای بال، ذهنی خلاق و پویا دارد؛ پس باید با کمک گرفتن از این ذهن خلاق، راهکار دیگری برای پرواز پیدا می‌کرد، راهکارهای که پرواز کردن با بال نبود! اما دیدن پرواز پرنندگان و بال گشودن آنها در دل آسمان در ذهن پدران ما جا انداخته بود پرواز کردن، فقط و فقط از مسیر بال‌زدن است که اتفاق می‌افتد.

به همین خاطر هم به دنبال آن بودند برای خودشان بالی بسازند و در آسمان به پرواز دربیایند. برداران رایت اما دلیل موفقیت‌شان این بود که ذهن‌شان را از طراحی بال برای انسان فراتر بردند و در نهایت توانستند نخستین هواپیمایا را بسازند و نخستین پرواز بشر را ثبت کنند. بعد از آن بود که با تغییر نگرش، انسان‌ها توانستند هواپیماهای متعددی بسازند و رویای پروازشان را محقق کنند.

در زندگی شخصی ما آدم‌ها هم همین حکایت وجود دارد. خیلی وقت‌ها تا نگاه‌مان تغییر نکند و ذهن‌مان را از چارچوب‌های معمول رها نکنیم، نمی‌توانیم برای بسیاری از موضوعات راه‌حلی پیدا کنیم و به موفقیت برسیم. برای تحقق رویاهای مان باید فراتر از چارچوب‌های متداول، فکر و ذهن‌مان را رها کنیم. اطمینان داشته باشید راه‌حل‌ها در ورای قالب‌های ذهنی ما خواهد بود. پس برای موفقیت قالب‌های ذهنی‌تان را بشکنید.

مفهوم انسانیت



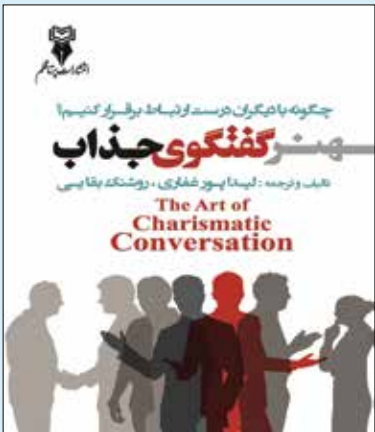
مثل حیوانات دیگر و بالاخره با حیوانات هم‌نژاد هستی. آن‌چنین به اصطلاح خدازادگی به این شکل از انسان گرفته شد، و این ضربه دیگری بود که بر پیکر انسان و تقدس انسانی وارد شد. یکی دیگر از آن ضربه‌های بسیار مؤثر، ضربه‌ای بود که به سابقه و پیرونده و عملیات ظاهر درخشان انسان وارد شد. یعنی انسان در فعالیت خودش نشان می‌داد که می‌تواند فعالیت داشته باشد، پاک و منزّه و خدایی که جز عشق الهی انگیزه‌ای نداشته باشد، جز احسان و نیکی انگیزه‌ای نداشته باشد، هیچ جنبه حیوانی و عادی نداشته باشد. یک مرتبه فرضیه‌هایی پیدا شد و در آنها چنین وانمود گردید که خبر، این پیرونده‌ای که انسان برای خود درست کرده این چنین مقدس و پاک و پاکیزه، این جور نیست؛ تمام عملیاتی که بشر به آنها نام دانش دوستی و دانش طلبی داده، نام هنر و زیبایی داده، نام اخلاق و وجدان داده، نام تسبیح و تقدیس و تعالی داده و به آنها جنبه ماوراءالطبیعی داده است، از نوع همان فعالیت‌هایی است که در حیوانات هم پیدا می‌شود، ولی در انسان با یک مکانیزم و شکل پیچیده‌تری است. یکی گفت: سرچشمه همه اینها شکم است.

برگرفته از کتاب آزادی معنوی

استاد شهید مرتضی مطهری



هنر گفت‌وگوی جذاب



پورغفاری و روشنگر بقایی در کتاب هنر گفت‌وگوی جذاب، تلاش کرده‌اند قواعد این مهارت را بیاموزند. نویسندگان بحث‌شان را با موضوع کاریزما آغاز می‌کنند و ویژگی‌های شخصیت‌های کاریزماتیک را توضیح می‌دهند. آنها به مخاطب یاد می‌دهند که چطور کاراکتری کاریزماتیک و تأثیرگذار از خود بسازند. در ادامه از نشانه‌های غیرکلامی می‌گویند و شیوه رمزگشایی این نوع نشانه‌ها را آموزش می‌دهند. پس از آن وارد بحث ارتباط کلامی می‌شوند و به جوانب مختلف آن اشاره می‌کنند. در نهایت نحوه شکستن یخ رابطه را شرح می‌دهند و از عوامل مخربی می‌گویند که در مکالمات باید از آنها پرهیز کرد تا ارتباط برهم نخورد.

کتاب هنر گفت‌وگوی جذاب را انتشارات پیرتا قلم چاپ کرده است.

در بخشی از کتاب هنر گفت‌وگوی جذاب: چگونه با دیگران درست ارتباط برقرار کنیم؟ می‌خوانیم:

چه زمانی باید سکوت کرد؟ گاهی اوقات افراد می‌خواهند گریه کنند یا این‌که شنیده شوند. درواقع آنها به دنبال مشاوره یا حتی راه‌حل نیستند. گاهی اوقات به همان اندازه مهم است که بدانید چه کاری را نباید انجام دهید و چه کاری را انجام دهید. شما می‌توانید لذت بخش‌ترین فرد باشید و راه‌حل دقیق ارائه دهید اما گاهی اوقات باید عادات مکالمه سمی را رها کنید تا مردم ترجیح دهند با شما مکالمه داشته باشند و ترجیح ندهند رنج بکشند و با شما ارتباط برقرار نکنند. گاهی اوقات کافی است فقط از طریق زبان بدن و ارتباط چشمی با دیگران وارد رابطه شوید و ارتباط بگیرید. اگر فکر می‌کنید که یک مکالمه خسته‌کننده دارید، باید بی‌پزیرید که شما باعث ایجاد این مشکل شدید، زیرا انتظار داشتید مکالمه‌تان جالب باشد. این وظیفه شماست که گفت‌وگو را جذاب کنید.

امیرعلوی

چاردیواری

یکی از مهارت‌های اساسی زندگی که همه به آن احتیاج دارند، مهارت مکالمه و

گفت‌وگو است. انسان موجودی اجتماعی است و در تمام عمر در میان جمع زندگی می‌کند. این جمع می‌تواند خانواده، دوستان، مدرسه و دانشگاه، محل کار و هر جای دیگری باشد. بنابراین هرروز بارها در معرض گفت‌وگو با دیگران قرار می‌گیرد. مهارت مکالمه به او این امکان را می‌دهد تا ارتباط بهتری با اطرافیانش داشته باشد. بتواند شخصیت جذاب‌تری از خود نشان دهد و در مسیر شغلی و حرف‌هایش پیشرفت کند. حتی در میان خانواده و دوستان هم این موضوع مصداق دارد. اگر بتوانیم به درستی گفت‌وگو کنیم، خیلی از مشکلات و سوءتفاهم‌ها برطرف می‌شود و زندگی با دوام و گرم‌تری خواهیم داشت. با تمام این‌ها، خیلی‌ها در این مهارت مشکل دارند و نمی‌توانند ارتباط کلامی کاملی برقرار کنند. برای حل این مشکل، منابع زیادی در دسترس است، اما یکی از مفیدترین آنها کتاب «هنر گفت‌وگوی جذاب» نوشته لیدا پورغفاری و روشنگر بقایی است. این اثر شیوه درست ارتباطات کلامی را تشریح می‌کند و این مهارت را به خواننده می‌آموزد. این راهنما به شما یاد می‌دهد که با سخن‌گفتن شخصیت واقعی‌تان را بروز دهید و خود را معرفی کنید.

کتاب هنر گفت‌وگوی جذاب، نوشته لیدا پورغفاری و روشنگر بقایی، نحوه ارتباط درست کلامی را توضیح می‌دهد. همچنین این کتاب راهنما به شما شیوه رمزگشایی نشانه‌های غیرکلامی را توضیح می‌دهد و کمک می‌کند کاراکتری کاریزماتیک پیدا کنید، یخ رابطه را بشکنید و با دیگران وارد مکالمه‌ای جذاب‌تر شوید.

چه فردی درون‌گرا باشیم، چه برون‌گرا، مکالمه مهم‌ترین پل ارتباطی ما با دیگران است. شاید خیلی به صحبت‌کردن علاقه نداشته باشیم و ترجیح دهیم کمتر وارد گفت‌وگو شویم، ولی به هر صورت موقعیت‌هایی در زندگی هست که مجبوریم مکالمه کنیم. در مصاحبه‌های کاری، جلسات حرفه‌ای یا حتی روابط دوستانه، صحبت‌کردن نقشی مهم و حیاتی دارد. اگر در ارتباط کلامی مشکل داشته باشیم، در این‌گونه موقعیت‌ها دچار دردسر می‌شویم و حتی آینده‌مان به خطر می‌افتد. دقیقاً به خاطر همین است که خیلی از کارشناسان معتقدند همه افراد جامعه باید این مهارت را یاد بگیرند و آن را ارتقا دهند. ما بدون مهارت حل مسأله یا تفکر خلاق می‌توانیم زندگی کنیم، ولی بدون مهارت گفت‌وگو، زندگی‌مان قطعاً دچار اختلال می‌شود و آسیب‌هایی جدی می‌بینیم. بر همین اساس، لیدا

اَلْمَ أَحْسَبَ النَّاسُ اَنْ يَتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا اَمَّا وَهُمْ لَا يَفْتَنُوْنَ

آیا مردم پنداشته‌اند که رها می‌شوند و در بوته آزمایش قرار نمی‌گیرند و هرا داعی بکنند از ایشان پذیرفته می‌شود؟ در حالی که چنین نیست، یکی از سنت‌های ما امتحان است که در اَمَم قبل از ایشان نیز جریان داشت، در این امت نیز باید جریان یابد، تاراستگویی از دروغ‌گویی متمایز و جدا شوند، یعنی آثار راستگویی آنان و دروغ‌گویی ایشان ظاهر شود و در نتیجه ایمان راستگوییان با بر جاتر شده و ادعای صوری و دروغی ایشان نیز از دل هایشان بیرون شود.

ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۶،

صفحه ۱۲۸

